

## Formulating a Conceptual Model of Wisdom Based on Islamic Sources: Grounded Theory

Ali Bayat\*

Hamid Rafiei Honar\*\*

Mohammad Reza Jahangirzadeh\*\*\*

### Abstract

The present study tried to achieve a conceptual model of wisdom and examine its validating through three methods of linguistic semantics, grounded theory, and survey descriptive method. By reviewing the concept of wisdom in the fields of vocabulary and psychology, 23 primary concepts related to wisdom were identified in Islamic sources. After analyzing content validity, nineteen concepts were left out of 23 concepts. In the phase of collecting the documents, there were 2149 data resulted from seeking the data related to nineteen concepts which were screened in the two stages of book weakness and the lack of conceptual relevance. It resulted in omitting 1039 documents and leaving 1110 Islamic data as well as twelve concepts for modeling. These concepts, including reason (Aghl), intellect (Hekmat), distinction (Tamiz), knowledge (Marefat), science (Elm), mental processing (Pardazesh Zehni), understanding (Fahm), insight (Basirat), acumen (Ferasat), perspicacity (Kiasat), Fiqh, ingenuity (Fetanat), and sagacity (Zekavat), were analyzed using grounded theory in the four stages. By the judgmental sampling, 1276 primary open codes, 344 centralized open codes, 84 axial codes, and 19 core categories were identified. The proportionality among the core categories and comparing them with the documents showed that Islamic wisdom consists of ten conceptual elements, including knowledge (Danesh), distinction (Tamiz), mental processing (Pardazesh Zehni), control (Mahar), certainty in action (Etghan dar Amal), perspicacity (Kiasat), acumen (Ferasat), insight (Basirat), Fiqh, and cleverness (Tizfahmi). These elements were analyzed by eleven experts and Content Validity Index (CVI). In addition, the experts confirmed the validity of elements.

**Keywords:** wisdom, intellect, reason, conceptual model, Islamic psychology, grounded theory

---

\* Ph.D. Student of Psychology, Research Institute of Hawzeh and University, Corresponding Author,

Qom, Email: abayat@rigu.ac.ir.

\*\* Faculty Member of Islamic Sciences and Culture Academy, Email: h.rafiie@isca.ac.ir.

\*\*\* Faculty Member of Imam Khomeini Education and Research Institute, Email:

jahangirzademr@gmail.com.

## تدوین مدل مفهومی خرد براساس منابع اسلامی: تحلیل داده بنیاد

علی بیات\*

حمید رفیعی هنر\*\*

محمد رضا جهانگیرزاده\*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر در پی دستیابی به تدوین مدل مفهومی خرد اسلامی و بررسی میزان روایی آن به سه روش معناشناسی زبانی، روش کیفی داده بنیاد و روش توصیفی زمینه‌یابی بود. با تشکیل حوزه معنایی خرد در لغت و روان‌شناسی، ۲۳ مفهوم اولیه مشیر به خرد در منابع اسلامی شناسایی شد. نتایج حاصل از «بررسی روایی محتوایی» در این مرحله به حذف چهار مفهوم و باقی ماندن نوزده مفهوم دیگر انجامید. در بخش «جمع‌آوری مستندات»، نتایج حاصل از جستجوی داده‌های مرتبط با مفاهیم نوزده گانه، بالغ بر ۲۱۴۹ داده بود که در دو مرحله ضعف کتاب و عدم ارتباط مفهومی غربال شدند. حاصل غربالگری، حذف ۱۰۳۹ مستند و باقی ماندن ۱۱۱۰ داده اسلامی و در نهایت دوازده مفهوم برای مدل پردازی بود. این مفاهیم شامل عقل، حکمت، تمیز، معرفت، علم، پردازش ذهنی، فهم، بصیرت، فراست، کیاست، فقه، فطانت و ذکاوت بودند که به شیوه نظریه کیفی داده بنیاد در چهار مرحله کدگذاری تحلیل شدند. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲۷۶ کد باز اولیه، ۳۴۴ کد باز متمرکز، ۸۴ کد محوری و ۱۹ مقوله هسته‌ای شناسایی شد. نسبت‌سنجی میان مقوله‌های هسته‌ای و عرضه دوباره آنها به مستندات نشان داد، خرد اسلامی از ده مؤلفه مفهومی شامل دانش، تمیز، پردازش ذهنی، مهار، اتقان در عمل، کیاست، فراست، بصیرت، فقاقت و تیزفهمی تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها توسط یازده کارشناس ارزیابی و با استفاده از «شاخص روایی محتوایی (CVI)» تحلیل شد. کارشناسان روایی مؤلفه‌ها را نیز مطلوب ارزیابی کردند.

واژگان کلیدی: خرد، حکمت، عقل، مدل مفهومی، روان‌شناسی اسلامی، نظریه داده بنیاد.

## مقدمه

با وجود افزایش ضریب هوشی (IQ) و خلاقیت<sup>۱</sup> در جهان امروز، نه تنها نتوانستیم دنیای بهتری را خلق کنیم، بلکه با سوءاستفاده از این دو ابزار با رفتارهایی از جمله خشونت، فقر گسترده، تغییر اقلیم، آلودگی، مرگ ناشی از سوء مصرف مواد، ترور و احساس درماندگی روبه‌رو هستیم. به اعتقاد وی، ما در حال دویدن در مسابقه‌ای هستیم که برندگان آن نه تنها تأثیر مثبت، معنادار و پایداری در آینده ما ایجاد نخواهند کرد، بلکه سرانجام آن، سوق یافتن به سمت نابودی است. در این بین، آنچه می‌تواند ما را به مسیر مسابقه درست بازگرداند، مفهومی به نام «خرد»<sup>۲</sup> است (استرنبرگ،<sup>۳</sup> ۲۰۱۹، ص ۳). مطالعه خرد احتمالاً می‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: چرا جهان در این وضعیت قرار گرفته است؟ و چگونه می‌توان از این وضعیت خارج شد؟

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خرد فی‌نفسه و از لحاظ اجتماعی سازه مفیدی است که با سلامت جسمی و روانی بهتر (بنجن، میکس و جست،<sup>۴</sup> ۲۰۱۳؛ توماس<sup>۵</sup> و دیگران، ۲۰۱۷)، بهزیستی (تیلر، بیس و وبستر،<sup>۶</sup> ۲۰۱۱؛ زاگر و استاودینگر،<sup>۷</sup> ۲۰۱۸؛ ذیحیحصاری و دیگران، ۱۳۹۶)، شادکامی (توماس و دیگران، ۲۰۱۷)، رضایت زندگی (آردلت،<sup>۸</sup> ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ الف؛ رانی و بنو،<sup>۹</sup> ۲۰۱۸؛ مالکی و همکاران، ۱۹۵) و تاب‌آوری (لیبری و لیندن،<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۱؛ گیلومر،<sup>۱۱</sup> ۲۰۱۴)، هوش (لانچ و کافمن،<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۹) مرتبط است؛ افزون بر این، دانش روان‌شناختی خرد و به‌طور خاص خرد درمانی<sup>۱۳</sup> برای بیماران مبتلا به اختلالات سازگاری یا اختلال استرس پس از سانحه (لیندن و دیگران، ۲۰۱۱)، مقابله با تنبذگی‌ها و مشکلات اساسی زندگی (لیبری و لیندن، ۲۰۱۱)، کاهش اختلالات رفتاری (پدرام‌نیا و یوسفی، ۱۳۹۷)، تنظیم رشد موفقیت‌آمیز زندگی

1. Creativity
2. Wisdom
3. Sternberg, R. J.
4. Bangen, K.J.; Meeks, T.W. & Jeste, D.V.
5. Thomas, M. L.
6. Taylor, M.; Bates, G. & Webster, J. D.
7. Zacher, H. & Staudinger, U. M.
8. Ardel, M.
9. Rani, G. S. & Banu, N.
10. Lieberei, B. & Linden M.
11. Gilmore, A.
12. Lynch, S. & Kaufman, J.
13. Wisdom Therapy

(بالتز، گلاک، و کانزمن،<sup>۱</sup> ۲۰۰۲؛ یانگ،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴)، زوج‌درمانی (اسکرت،<sup>۳</sup> ۲۰۱۶) و کاهش مصرف مواد (پری<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۲؛ دیگانجی<sup>۵</sup> و دیگران، ۲۰۱۳) به کار رفته است.

خرد در متون فلسفی و دینی قدمتی دیرینه دارد و تلاش برای دستیابی به آن را می‌توان دست‌کم تا سه قرن پیش از میلاد جستجو کرد (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۲۱۶). خرد در چندین متن باستانی از جمله *التعالیم*،<sup>۶</sup> کتیبه‌های مصری (از ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد مسیح)، و *باگاواد گیتا*<sup>۷</sup> (کتاب مقدس فلسفی-مذهبی هندو)، بارها بحث شده (جست و واهیا،<sup>۸</sup> ۲۰۰۸) و کتاب‌های عهد قدیم شیوه‌ای را برای دستیابی به خرد توصیف کرده‌اند؛ همچنین متفکران ذی‌نفوذ شرق باستان از کنفوسیوس تا بودا بر روی خرد تعمق کرده‌اند (جست و لی،<sup>۹</sup> ۲۰۱۹، ص ۱۲۸).

اگر چه بحث درباره خرد دارای سابقه‌ای گسترده در میان فیلسوفان، متکلمان و شاعران است، اما ورود آن به دنیای روان‌شناسی نسبتاً با تأخیر و به سه دهه اخیر باز می‌گردد (بیرن و سونسون،<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۵، ص ۱۲؛ بنجن، میکس و جست، ۲۰۱۳، ص ۱۲۵۵). با وجود این، استنلی هال<sup>۱۱</sup> (۱۹۲۲؛ نقل از استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۲۱۶) احتمالاً نخستین روان‌شناسی بود که از مفهوم خرد یاد کرد. پس از وی، اریکسون<sup>۱۲</sup> (۱۹۶۴) خرد را نتیجه مطلوب تعارض بین یکپارچگی و ناامیدی تصور کرد که مرحله نهایی از دوره هشت‌گانه عمر را نشان می‌دهد (اریکسون، ۱۹۶۴، ص ۱۳۳) و نیز کارل یونگ<sup>۱۳</sup> (۱۹۶۴) توضیح داد چگونه فردیت خویش، راهی برای دستیابی به خردمندی است. از دیدگاه وی، منبع خردمندی در کشف وجود درونی خود و ترکیب تمایلات متضاد نهفته است (یونگ، ۱۹۶۴، ص ۱۹۶).

با شروع دهه ۱۹۷۰، مطالعه تجربی خرد به منظور جستجوی توانمندی‌های دوران سالمندی و به طور خاص جستجوی کارکردهای عقلانی شروع شد که با افزایش سن زوال نمی‌یابد. براساس

1. Baltes, P. B.; Glück, J. & Kunzmann, U.

2. Yang, S. Y.

3. Skerrett, K.

4. Perry, C. L.

5. DiGangi, J. A.

6. Sebayt

7 Bhagavad Gita

8. Vahia, I. V.

9. Lee, E. E.

10. Birren, J. E. & Svensson, C. M.

11. Hall, G. s.

12. Erikson, E. H.

13. Jung, C.

دیدگاه استاودینگر و گلاک (۲۰۱۱) از دهه ۱۹۷۰، پنج حوزه از مطالعات روان‌شناختی خرد به وجود آمده است: ۱. ارائه تعریف غیرتخصصی و عامیانه از خرد؛ ۲. مفهوم‌سازی و سنجش خرد؛ ۳. فهم رشد و تحول خرد؛ ۴. بررسی شکل‌پذیری خرد و ۵. به‌کارگیری دانش روان‌شناختی خرد در بافت‌های زندگی (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱، ص ۱۶۷). از زمان آغاز مطالعات روان‌شناختی خرد، تحقیق درباره اینکه «خرد چیست و چگونه می‌تواند تعریف شود؟»، از مهم‌ترین مسائل این حوزه بوده است. در طیف گسترده‌ای از تئوری‌های صریح، از خرد به‌عنوان یک نظام دانش تخصصی در مسائل بنیادین زندگی (بالتز و اسمیت،<sup>۱</sup> ۱۹۹۰، ص ۹۵؛ بالتز و استاودینگر، ۲۰۰۰، ص ۱۲۲)؛ هنر حل مسئله (آرلین،<sup>۲</sup> ۱۹۹۰، ص ۲۳۰)؛ آگاهی از نادانی و محدودیت دانش خویش (میچم،<sup>۳</sup> ۱۹۹۰، ص ۱۸۱)؛ به‌کارگیری هوش و خلاقیت و نیز دانش فرد در جهت مصلحت عمومی (استرنبرگ، ۲۰۰۱، ص ۲۳۰)؛ ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی در سه بعد شناختی، تأملی و عاطفی (آردلت، ۲۰۰۳، ص ۲۷۷)؛ نخستین فضیلت جهانی و دانشی که دستیابی به آن نیازمند تلاش بسیار است (پترسون و سلیمان،<sup>۴</sup> ۲۰۰۴، ص ۳۹)؛ از خویش فراتر رفتن (لویسون<sup>۵</sup> و دیگران، ۲۰۰۵، ص ۱۲۹)؛ فرایندی در زندگی واقعی<sup>۶</sup> که متشکل از سه مؤلفه: یکپارچگی، تجسم و اثرات مثبت برای خود و دیگران، است (یانگ، ۲۰۰۸، ص ۶۵) و به‌کارگیری استدلال خردمندانه به منظور کنترل چالش‌های زندگی (گراسمن،<sup>۷</sup> ۲۰۱۰، ص ۷۲۴۶) یاد شده است. با آنکه خرد سازه‌ای بسیار پیچیده و محتوایی غنی و چندبعدی دارد، با نگاهی به تاریخ مطالعه خرد می‌توان پی برد که هنوز یک توافق عمومی برای تعریف و مؤلفه‌های خرد وجود ندارد (گلاک و دیگران، ۲۰۱۳، ص ۳-۱۳).

در همین راستا، در متون روان‌شناختی فارسی تنها بیرانوند و نوقایی (۱۳۹۴، ص ۵) به بررسی مفهوم خرد براساس برخی از منابع دینی، با روش تحلیل محتوا پرداخته و ده ویژگی افراد خردمند را شناسایی کرده‌ند؛ همچنین چراغی و دیگران (۱۳۹۴) به مفهوم‌سازی خرد براساس نظریه‌های ضمنی و رسمی آن از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی، ملک‌محمدی و دیگران (۱۳۹۳ و ۱۳۹۶)، اسعدی (۱۳۹۴)، کردنوقایی، بیرانوند و عربلو (۱۳۹۴) و کردنوقایی و بیرانوند (۱۳۹۵) به بررسی دیدگاه مردم عادی درباره خرد پرداخته‌اند.

1. Smith, J.
2. Arlin, P. K.
3. Meacham, J. M.
4. Peterson, C. & Seligman, M. E. P.
5. Levenson, M. R.
6. Wisdom as a Real-Life Process
7. Grossmann, I.

با توجه به اینکه مفهوم خرد واژه‌ای فارسی است و در متون عربی به کار نمی‌رود؛ به نظر می‌رسد منابع اسلامی بر مفهوم خرد در قالب واژه‌هایی همچون عقل، حکمت، بصیرت، معرفت، علم، درک، فهم، فکر، نظر، فقه، تدبیر، درایه، لب، نهیه، حجر، حجبی که وجه مشترک همه آنها شناخت و ادراک می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در دو دهه گذشته در تحقیقات علوم انسانی مشاهده می‌شود، مطالعات زیادی درباره ماهیت و ویژگی‌های «عقل» در آموزه‌های اسلامی با نگاه فلسفی (برنجکار، ۱۳۷۴)، کلامی (بداشتی، ۱۳۸۳)، حدیثی (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲؛ پسندیده، ۱۳۸۸)، سیاسی (ابوطالبی، ۱۳۸۹) و روان‌شناختی (شجاعی، ۱۳۸۸؛ میردریگوندی، ۱۳۹۵؛ جهانگیرزاده، ۱۳۹۶؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷) و حکمت با نگاه روان‌شناختی (موسوی، ۱۳۹۷) است. تا آنجا که پژوهشگر جستجو کرده، تحقیقات گذشته به مفهوم‌سازی خرد براساس منابع اسلامی پرداخته‌اند، بلکه تنها متمرکز بر مفهوم عقل (بیرانوند و نوقابی، ۱۳۹۴)، یا حکمت (موسوی، ۱۳۹۷) بوده است و تنها به بررسی برخی از مفاهیم مترادف عقل (شجاعی، ۱۳۸۸؛ میردریگوندی، ۱۳۹۵؛ جهانگیرزاده، ۱۳۹۶؛ رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷) پرداخته‌اند، درحالی‌که به مفاهیمی چون حکمت، بصیرت، فهم، فکر، معرفت، کیاست و درایه کمتر توجه شده است؛ ازاین‌رو، مسئله پژوهش حاضر این است که نخست چه مفاهیم و گزاره‌هایی در متون دینی ناظر به این مفهوم است؟ و دوم اینکه مؤلفه‌های مفهومی خرد در متون دینی چیست؟

### روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ رویکرد، کیفی و مشتمل بر سه روش معناشناسی زبانی<sup>۱</sup> در مرحله جمع‌آوری مفاهیم مشیر به خرد در منابع اسلامی، روش کیفی داده‌بنیاد<sup>۲</sup> برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و روش توصیفی زمینه‌یابی<sup>۳</sup> به منظور بررسی روایی محتوایی است. جامعه متنی پژوهش، کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است که براساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۸۶) در منابع روایی سطوح «الف»، «ب»، و «ج» قرار دارند. جامعه آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی را کارشناسان خبره‌ای تشکیل می‌دهد که در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح باشند.

1. Language semantic

2. Grounded Theory

3. Survey

نمونه‌گیری در این پژوهش، غیرتصادفی<sup>۱</sup> و از نوع هدفمند<sup>۲</sup> بود. بر این اساس، در مجموع تعداد ۲۱۴۹ مستند قرآنی و روایی از راه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در مرحله «بررسی روایی محتوایی» نیز براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و مطابق با نظر لین<sup>۳</sup> (۱۹۸۶؛ به نقل از عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳) تعداد یازده متخصص علوم انسانی و روان‌شناسی انتخاب شدند. مراحل اجرای پژوهش: به منظور استخراج مفاهیم مشیر به خرد براساس منابع اسلامی (قرآن و روایات) از روش معناشناسی زبانی استفاده شد. شالوده نگرش حوزه‌های معنایی این است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه باشد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳). این روش بر دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای<sup>۴</sup> و معناشناسی ساخت‌گرا استوار است (لیونز،<sup>۵</sup> ۲۰۰۹؛ به نقل از نوری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱) که از هر دو شیوه در این تحقیق استفاده شد. با تشکیل حوزه معنایی خرد در لغت و روان‌شناسی، ۲۳ مفهوم اولیه مشیر به خرد در منابع اسلامی شامل عقل، علم، معرفت، حکمت، فطنت، ذكاء، فهم، شعور، ادراک، فکر، فقه، رویه، خُبره، کیاست، فراست، درایت، حصافت، حذاقت، تدبّر، استنتاج، تمییز، نصیحت و بصیرت شناسایی شد. نتایج حاصل از «بررسی روایی محتوایی» به منظور میزان قرابت مفاهیم مذکور با خرد در منابع اسلامی، به حذف چهار مفهوم حصافت، حذاقت، استنتاج و نصح و باقی ماندن نوزده مفهوم دیگر انجامید.

در مرحله بعد، «جمع‌آوری مستندات» نیز نتایج حاصل از جستجوی جملات توصیفی-تبیینی مرتبط با مفاهیم نوزده‌گانه، بالغ بر ۲۱۴۹ داده بود که در دو مرحله ضعف کتاب و عدم ارتباط مفهومی غربال شدند. حاصل غربالگری، حذف ۱۰۳۹ مستند و باقی ماندن ۱۱۱۰ داده اسلامی بود که بر این اساس، مفاهیم تدبیر، رویه و داریه به دلیل حوزه معنایی مشترک با مفهوم فکر در طبقه این مفهوم و ذیل عنوان «پردازش ذهنی» قرار گرفتند؛ همچنین دو مفهوم فطانت و ذکاوت نیز به دلیل حوزه معنایی مشترک در یک طبقه با عنوان «تیزفهمی» خلاصه شدند؛ افزون بر این، سه مفهوم خبره، ادراک و شعور به دلیل نداشتن داده‌های دینی مرتبط با پژوهش یادشده، از چرخه کدگذاری سه مرحله‌ای خارج شدند. در نتیجه از میان مفاهیم نوزده‌گانه مشیر به خرد، دوازده مفهوم برای تحلیل در چرخه کدگذاری وارد شدند؛ این مفاهیم شامل عقل، حکمت، تمییز،

1. Nonrandom
2. Purposive sampling
3. Lynn, M. R.
4. Componential analysis
5. Lyons, J.

معرفت، علم، پردازش ذهنی، فهم، بصیرت، فراست، کیاست، فقه، فطانت و ذکاوت بودند که به شیوه نظریه کیفی داده‌بنیاد در چهار مرحله کدگذاری باز/اولیه، کدگذاری باز متمرکز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شدند (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۲۹۰-۲۹۳). با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند براساس اصل اشباع، ۱۲۷۶ کد باز اولیه، ۳۴۴ کد باز متمرکز، ۸۴ کد محوری و ۱۹ مقوله هسته‌ای شناسایی شد. مرحله پس از کدگذاری مفاهیم و شناسایی مقوله‌های هسته‌ای، نسبت‌سنجی میان آنها بود که نتایج حاصل از نسبت‌سنجی مقوله‌های هسته‌ای مفاهیم دوازده‌گانه مشیر به خرد، تدوین مدل مفهومی خرد است.

برای بررسی روایی محتوایی داده‌های مربوط به نظر کارشناسان مطابق آنچه شولتز و دیگران (۲۰۱۴)؛ به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲) بیان کرده‌اند، از ضریب شاخص روایی محتوا<sup>۱</sup> (CVI) استفاده شد. در محاسبه شاخص روایی محتوا، تعداد کارشناسانی که نمره ۳ و ۴ داده‌اند، بر تعداد کل کارشناسان تقسیم می‌شود. دست‌کم مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI یک مفهوم یا مؤلفه کمتر از ۰/۷۹ باشد، آن گویه باید حذف شود (فتحی آشتیانی و دیگران، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۹).

### یافته‌ها

در مرحله نخست، هر یک از مفاهیم دوازده‌گانه مشیر به خرد در چهار مرحله شامل باز اولیه، باز متمرکز، محوری و انتخابی کدگذاری شد. کدگذاری هر یک از مفاهیم مشیر به خرد به شناسایی مقوله‌های هسته‌ای، عوامل زمینه‌ساز و علی؛ و پیامدها در سه حوزه ارتباط با خدا، دیگران و خود انجامید که از این میان برای تدوین مدل ساختاری و مفهومی خرد صرفاً مقوله‌های هسته‌ای هر مفهوم مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از مقوله‌های هسته‌ای در جدول ۱ آمده است؛ همچنین در ذیل هر مقوله هسته‌ای مؤلفه‌های اصلی آن مقوله بیان شده است.

جدول ۱: مقوله‌های هسته‌ای شناسایی شده برای هر یک از مفاهیم مشیر به خرد

مقوله‌های هسته‌ای				ردیف
عقل				۱
مهار	معرفت	تمییز	علم	
حکمت				۲
مهار	انتقان در عمل	ژرف‌اندیشی	علم	
معرفت				۳

1. Content Validity Index (CVI)



مقوله‌های هسته‌ای			ردیف
تمییز	پردازش ذهنی	علم	۴
علم			
فهم	آگاهی و هشجاری		۵
تمییز			
تشخیص میان دو شیء و نسبت میان آنها			۶
فکر، تدبیر، درایه و رویه			
پردازش ذهنی			۷
فهم			
فرایند متشکل از ادراک و شعور			۸
کیاست			
ادراک بهترین مصالح			۹
فراست			
ادراک حقایق و مقاصد درونی دیگران			۱۰
فطانت و ذکاوت			
ادراک کامل	ادراک سریع		۱۱
فقه			
ژرف‌نگری	ادراک لایه‌های سطح پنهان		۱۲
بصیرت			
تفکر	ادراک حقایق	هشجاری و آگاهی	

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، تعداد شانزده مقوله هسته‌ای برای مجموع مفاهیم مشیر به خرد شناسایی شد که با حذف مقوله‌های هسته‌ای تعداد این مقوله‌ها به نوزده مورد رسید. در مرحله دوم، پژوهشگر در راستای رعایت ملزومات نظریه داده‌بنیاد در زمینه فرایند «مقایسه دائمی» تا رسیدن به نظریه برای نسبت‌سنجی میان مقوله‌های هسته‌ای مفاهیم مرتبط با خرد، پس از شناسایی مقوله‌های هسته‌ای هر مفهوم مراحل زیر را سپری کرد تا در نهایت مدل مفهومی خرد به دست آمد: ۱. نخست یک فرض اولیه براساس اولویت لغوی-مفهومی خرد تدوین و مفاهیم مشیر در چهار سطح رتبه‌بندی شد: سطح اول مفاهیم: عقل، حکمت؛ سطح دوم: معرفت، علم، فقه، فهم، تفکر، تدبیر و تمییز؛ سطح سوم: ادراک، شعور، درایت و بصیرت؛ سطح چهارم: فطانت، خبره، ذکاوت، فراست، رویه و کیاست؛ ۲. این فرض اولیه به منظور کشف درستی به مؤلفه‌های هر مفهوم عرضه شد؛ ۳. به دلیل تشابه مؤلفه‌های اصلی هر مفهوم با یکدیگر، پژوهشگر دوباره مؤلفه‌ها را به کدها و مستندات ارائه کرد تا اشتراکات و تمایزات هر یک مشخص شود؛ همچنین، تعریفی برای هر مؤلفه ارائه شد؛ ۴. سرانجام برخی مؤلفه‌ها به دلیل همگنی در یک طبقه و مابقی در طبقات مجزا قرار گرفتند؛ ۵. پس از آنکه نسبت‌سنجی مؤلفه‌های حاصل از هر مفهوم یافت شد، پژوهشگر جهت اتقان کار ارتباط مفاهیم را به روایات ارتباطی عرضه و مؤیداتی برای آن ارائه کرد.

با توجه به فرض اولیه، عقل و حکمت جزء مفاهیم سطح اول مشیر به خرد قرار دارند؛ از این رو برای نسبت‌سنجی میان مقوله‌های هسته‌ای لازم است از اساسی‌ترین مفاهیم آغاز کنیم. در چگونگی ارتباط دو مفهوم حکمت و عقل، این‌گونه آمده است که از راه عقل نهایت حکمت و از طریق حکمت نهایت عقل به دست می‌آید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸). در قدم بعدی حکمت در روایتی به دو عنصر فهم و عقل تعریف شده است (همان، ص ۱۶)؛ در سخنی دیگر عقل به انسانی تشبیه شده که دارای نفس، روح، چشم، سر، گوش، دهان، زبان، لب و قلب است و از حکمت به‌عنوان زبان عقل تعبیر می‌کند (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۱۳). افزون بر این، در اختیار گرفتن عقل (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۶، ح ۵۲۸) و عقل‌ورزی، دستیابی به حکمت را نتیجه می‌دهد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۴۴). پس مقایسه دو مفهوم عقل و حکمت از میان مفاهیم مشیر به خرد نشان می‌دهد که اساسی‌ترین مفهوم حکمت است.

حکمت حاصل چهار مقوله هسته‌ای و شامل علم، ژرف‌نگری، مهار و اتقان در عمل است. نخست ملاحظه دو مقوله علم و ژرف‌نگری با مقوله‌های سایر مفاهیم نشان می‌دهد که حاصل علم و ژرف‌نگری، معرفت است؛ بر همین اساس در روایات، معرفت یکی از فضائل علم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸) و از علم به‌عنوان بارورکننده معرفت یاد شده است (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۴۸)؛ همچنین این منظور (۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۳۶) و جوهری (۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۰۰) علم را مؤلفه اصلی معرفت دانسته‌اند. از سوی دیگر، بدان جهت که راغب (۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۴)، مصطفوی (۱۳۶۸، ج ۸، ص ۹۸) و فیومی (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۰۴) در لغت و علامه مجلسی (۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۶۰)، معرفت را ادراک شیء از راه تفکر و تدبر در آثار آن می‌دانند، علم همراه با ژرف و تعمق، معرفت را نتیجه می‌دهد. در گام دوم، مقایسه دو مؤلفه هسته‌ای حکمت (معرفت و مهار) با مفهوم عقل نشان می‌دهد که معرفت و مهار، چیزی جز عقل نیست. شاهد اینکه در حدیث جنود عقل و جهل معرفت یکی از جنود عقل (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۶) و در روایات دیگر، عقل ابزاری برای معرفت است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۸۷)؛ همچنین، افزون بر معنای لغوی عقل، شواهد روایی زیادی نشان می‌دهد بازدارنده نفس (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵)، خویش‌داری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴۱) و کنترل هیجان‌ها (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۴، ح ۴۶۸) از عناصر اساسی عقل است. امام کاظم (علیه السلام) نیز یکی از مؤلفه‌های اصلی حکمت را عقل می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶)؛ بنابراین در گام نخست از مرحله اول با نسبت‌سنجی چهار مقوله هسته‌ای حکمت با مفهوم معرفت، دو مقوله علم و ژرف‌اندیشی را با عنوان «معرفت» طبقه‌بندی کردیم و در گام بعدی با مقایسه سه مؤلفه باقیمانده حکمت شامل

معرفت، مهار و اتقان با مفهوم عقل و تأییدات لغوی و روایی معرفت و مهار را به مفهوم «عقل» کاهش دادیم و دریافتیم که حکمت از دو مؤلفه «عقل» و «اتقان» تشکیل شده است. پس نخستین مقوله هسته‌ای خرد «اتقان در عمل» است.

در مرحله دوم، عقل حاصل دو مقوله معرفت و مهار است؛ معرفت خود یکی از مفاهیم مرتبط با خرد و تشکیل شده از چهار مؤلفه معرفت، روشنگری، علم و تمییز است که در مرحله بعد به نسبت‌سنجی آن با سایر مقوله‌ها می‌پردازیم. بر این اساس، دومین مقوله هسته‌ای خرد، «مهار» است. مهار به دو بخش مهار نفس و عمل تقسیم می‌شود.

در مرحله سوم، پس از دستیابی به «اتقان در عمل» و «مهار» به عنوان دو مقوله هسته‌ای خرد، نوبت به نسبت‌سنجی معرفت با سایر مفاهیم می‌رسد. معرفت دارای سه مقوله هسته‌ای شامل علم، پردازش و تمییز است. همان‌طور که در مقایسه مقوله‌های هسته‌ای دو مفهوم حکمت و عقل گذشت، معرفت در حکمت به‌عنوان یک کد محوری، متشکل از علم و ژرف‌نگری و در عقل حاصل علم و تمییز است. جمع میان مستندات دو مفهوم عقل و حکمت با معرفت نیز تأیید می‌کند که معرفت مطلق علم نیست، بلکه معرفت اخص از علم بوده و در مقایسه با مقوله‌های مفهوم حکمت، معرفت علم همراه با ژرف‌نگری و در مقایسه با مقوله‌های مفهوم عقل، معرفت علم همراه با تمییز است که از جمع این سه مفهوم می‌توان گفت معرفت علم همراه با پردازش ذهنی است که در نهایت به تمییز می‌انجامد؛ بنابراین پردازش ذهنی، تمییز و علم سه مؤلفه اساسی معرفت هستند که لازم است به نسبت‌سنجی هر کدام با سایر مقوله‌های هسته‌ای از میان مفاهیم مرتبط خرد پرداخته شود.

تمییز از جنس معرفت و ناشی از تمایز دو شیء یا نسبت میان آنها است. تشخیص تنها مقوله هسته‌ای آن است که از جمع دو مؤلفه شناخت و توانایی تشخیص به دست آمد. چنانچه در مفهوم عقل گذشت، قوه‌ای که به این توانایی می‌رسد، عقل است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳). پس تمییز نیز یکی از مؤلفه‌های عقل است (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۸؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۰)؛ همچنین تمییز از جنس معرفت است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۸) که مصطفوی (۱۳۶۸، ج ۸، ص ۹۸) و عسکری (۱۴۰۰، ص ۷۳) در لغت و علامه (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۹) در اصطلاح، شناخت حاصل از تمییز را معرفت دانسته‌اند؛ بنابراین «تشخیص» (به‌عنوان الف) یکی از مفاهیم مشیر به خرد؛ ب) مقوله هسته‌ای مفهوم معرفت و ج) یکی از مؤلفه‌های عقل، به‌عنوان سومین مقوله هسته‌ای خرد شناسایی شد.

نسبت‌سنجی مقوله پردازش ذهنی با سایر مفاهیم مشیر به خرد نشان می‌دهد پردازش جامع مفاهیمی از جمله «فکر»، «تدبر»، «رویه»، «درایه» بوده و گویای فرایندی ذهنی شامل

رفت و برگشت ذهن میان معلومات برای کشف و دستیابی به مجهول است. پردازش ذهنی از جنود عقل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰-۲۳)، پایه آن (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۲، ح ۴۰۴)، و نشانه عاقل (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۸۶) است؛ همچنین در مفاهیم سطح پایان‌تر مشیر به خرد، تفکر دقیق و عمیق از مقوله‌های حکمت (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۶۲)؛ نشانه اولوالالباب (آل‌عمران، ۱۹۰-۱۹۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶)؛ مؤلفه فرایندی بصیرت (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۹ و ۱۵۵)، اساس آن (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۷، ح ۵۷۸) و روشنگر دل بصیر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸، ح ۳۴) است؛ افزون بر مستندات روایی در تعاریف لغوی (راغب، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۴) و اصطلاحی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۹) تفکر و تدبر، شرط معرفت به‌عنوان یکی از مقوله‌های هسته‌ای عقل است. بر این اساس، چهارمین مقوله هسته‌ای خرد، «پردازش ذهنی» است.

علم از دو مقوله هسته‌ای آگاهی و فهم تشکیل می‌شود که حاصل آن معرفت است؛ همچنین نسبت‌سنجی مفهوم علم با سایر مفاهیم مشیر به خرد نشان می‌دهد که اولاً، علم یکی از مؤلفه‌های عقل است که از آن به‌عنوان جنود عقل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰-۲۳) و نفس عقل (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۷) تعبیر می‌شود؛ ثانیاً، تجزیه و تحلیل مستندات مفهوم معرفت نشان داد علم یکی از مقوله‌های اصلی آن است. شاهد اینکه یکی از مقوله‌های اصلی عقل، معرفت است که خود از طبقه‌بندی و تداخل سه زیرمؤلفه روشنگری، علم و تمییز حاصل شده است. اینکه علم یکی از مقوله‌های هسته‌ای معرفت است، از سوی شواهد روایی و لغوی نیز تأیید شد. در نتیجه «دانش» به‌عنوان مقوله هسته‌ای معرفت و یکی از مؤلفه‌های عقل و نیز به‌طور کلی، یکی از مفاهیم مشیر به خرد، پنجمین مقوله هسته‌ای خرد است. از میان سایر مقوله‌های هسته‌ای شناخته‌شده برای مفاهیم مشیر به خرد آگاهی، فهم، ادراک و شعور از مؤلفه‌های مفهومی و فرایندی علم است و ذیل این مقوله هسته‌ای قرار می‌گیرند؛ بنابراین مهار، اتقان در عمل، پردازش ذهنی، تشخیص و دانش پنج مقوله هسته‌ای خرد هستند که آنها را مؤلفه‌های سطح اول خرد نام‌گذاری می‌شود. مؤلفه‌های سطح اول خرد دارای رابطه عنصری با یکدیگرند و همان‌طور که تبیین شد، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند.

در گام دوم، براساس اینکه متعلق ادراک سطح ظاهر معنا یا سطح پنهان؛ ادراک درون‌فردی یا برون‌فردی؛ ادراک رویدادها، منظور دیگران، یا اشیا و مفاهیم؛ ادراک سریع، دقیق، کامل و یا همراه با ژرف‌نگری است، پنج مقوله سطح دوم خرد شامل کیاست، بصیرت، فقاقت، فراست، ذکاوت و فطانت حاصل می‌شود که هر کدام مقوله‌ای از فهم هستند.

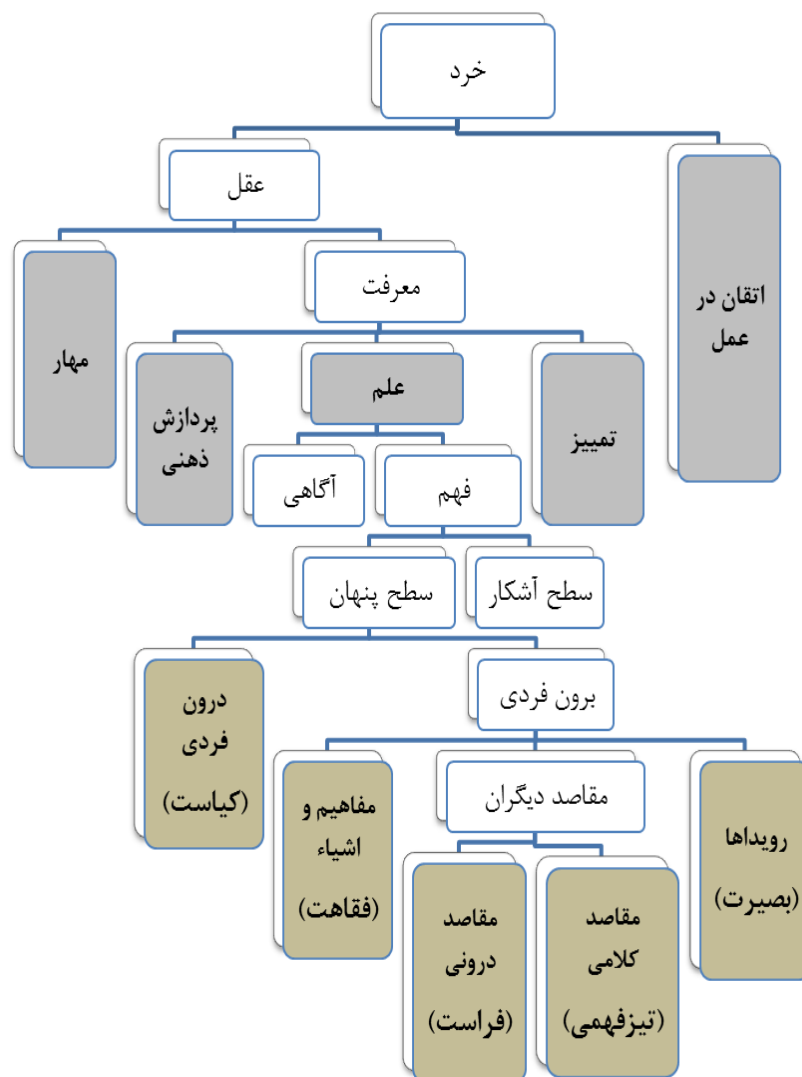
در مرحله اول، ادراک معانی سطح پنهان به دو حوزه درون‌فردی و برون‌فردی تقسیم می‌شود. به این صورت که ادراک گاهی به دنیای بیرون و در ارتباط با دیگران از جمله مفاهیم و اشیا است، و گاهی مربوط به دنیای درون خویش است که ادراک نوع اخیر را «کیاست» می‌نامیم. کیاست از جنس فهم و دارای دو زیرمؤلفه تشخیص (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۳۶) و توانایی انتخاب بهترین منفعت خویش است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۴۹؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۵۱۸). بر این اساس، کیاست ادراک بهترین مصالح خود در راستای امور پایدار است.

در مرحله دوم، متعلق ادراک معانی سطح پنهان در حوزه برون‌فردی ممکن است رویدادها؛ اشیا و مفاهیم؛ یا منظور و مقصود دیگران باشد. ادراک معانی سطح پنهان در حوزه رویدادها را «بینش» و ادراک لایه‌های پنهان مفاهیم و اشیا را «فقه» نام نهادیم. بصیرت و بینش از نشانه‌های کمال عقل (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۰۲، ح ۵۸) و عقل زمینه‌ساز ادراک حقایق امور است (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۵). بصیرت دارای سه مؤلفه شامل «هشیاری» (همان، ص ۳۴۲)، «ادراک حقایق و باطن» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۰۸) و «تفکر» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۵) است. بر این اساس، بینش عبارت است از ادراک حقیقت و باطن رویدادها که در اثر تفکر حاصل می‌شود. فقه نیز یکی دیگر از مفاهیم حوزه ادراک است (کشی، ۱۴۰۹، ص ۳)؛ با این ویژگی که اولاً فقه، ادراکی در حوزه برون‌فردی و ارتباط با دیگران است، ثانیاً به لایه‌های عمیق و پنهان مفاهیم و اشیا تعلق دارد (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱) که از عوامل علی آن ژرف‌نگری و تأمل است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۴).

در مرحله سوم، ادراک معانی سطح پنهان در حوزه مقصود و منظور دیگران دارای دو شاخه است؛ ادراک درونی دیگران را «فراست» نام نهادیم. فراست ادراک حقایق و مقاصد درونی دیگران است که دارای منشأ الهی و مشروط به عنایت خداوند است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۱). از این رو بالاترین مصداق «متوسمین» در آیه ۷۵ سوره حجر، ائمه علیهم‌السلام دانسته شده‌اند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۰۷)؛ همچنین برخی از علما و مفسران (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۸۵) کلمه «متوسمین» در آیه «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» (حجر، ۷۵) را به معنای فراست دانسته و مؤمنان با اخلاص و حکما را از مصادیق این آیه دانسته‌اند که متفرس به نور خداوند شده‌اند و از این راه می‌توانند معانی و حقایق را دریابند.

سرانجام ادراک مقاصد کلامی دیگران با دو قید «سرعت» و «کامل بودن» را «ذکاوت» گوئیم، که در فارسی از آن به «تیزفهمی» تعبیر می‌شود. افزون بر ذکاوت، فطانت نیز از حوزه ادراک است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۸، ح ۱۰۲۸۷)، با این تفاوت که دارای قید سرعت (ازدی، ۱۳۸۷،

ج ۳، ص ۱۰۰۵) و متعلق آن مقصود و منظور کلام دیگران است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۴۳۴)؛ پس فطانت به «ادراک سریع مقصود و منظور کلام دیگران» تعریف می‌شود. فطانت از جنود عقل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰-۲۳، ح ۱۴) و پردازش ذهنی زمینه‌ساز این مفهوم است (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۵۷). بنابراین خرد افزون بر پنج مقوله‌های هسته‌ای، دارای پنج حوزه کنش‌وری شامل بینش، ادراک بهترین منافع خویش، ادراک مقاصد کلامی دیگران، ادراک مفاهیم و تیزفهمی است که مدل آن در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱: مدل مفهومی خرد

سرانجام برای بررسی روایی مؤلفه‌های مفهومی خرد از یازده کارشناس خبره علوم انسانی و روان‌شناسی با تهیه فرمی درخواست شد نظرات خود را در مورد میزان مطابقت هر یک از مؤلفه‌ها با مستندات بیان فرمایند. جدول ۲، نتایج حاصل از میزان شاخص روایی محتوا (CVI) مؤلفه‌های خرد اسلامی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص روایی محتوایی مؤلفه‌های خرد اسلامی

ردیف	مؤلفه‌ها	تعداد کارشناسان موافق		تعداد کارشناسان مخالف	
		کاملاً مرتبط	مرتبط	نسبتاً مرتبط	غیرمرتبط
۱	مهاری	۸	۳	-	-
۲	اتقان در عمل	۶	۴	۱	-
۳	دانش	۸	۳	-	-
۴	تشخیص	۹	۲	-	-
۵	پردازش ذهنی	۹	-	۲	-
۶	ادراک مقاصد درونی دیگران	۱۰	۱	-	-
۷	بینش	۸	۳	-	-
۸	ادراک مفاهیم و اشیاء	۸	۱	۲	-
۹	ادراک بهترین منافع خویش	۸	۲	۱	-
۱۰	تیزفهمی	۹	۱	۱	-
	جمع و میانگین	۸۳	۲۰	۷	-

همان‌طور که از جدول ۲ نمایان است، روایی محتوایی مؤلفه‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردارند؛ به گونه‌ای که شاخص CVI هر یک از مؤلفه‌ها ۰/۸۱ و بالاتر بوده است. میانگین کل شاخص روایی محتوا برابر با ۰/۹۳ می‌باشد که بالاتر از مقدار CVI بحرانی (۰/۷۹) است.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که خرد براساس منابع اسلامی از ده مقوله شامل «دانش»، «پردازش ذهنی»، «تشخیص»، «مهاری»، «اتقان در عمل»، «بینش»، «ادراک مقاصد درونی دیگران»، «ادراک مفاهیم و اشیاء»، «ادراک بهترین منافع خویش» و «تیزفهمی» تشکیل شده است. نخستین مقوله هسته‌ای خرد، دانش است. براساس منابع دینی، چنین نیست که هر کسی بیشتر درس خوانده باشد، عالم به شمار رود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۵)، بلکه روایات میان علم حقیقی و دانش‌های معمول بشری تفاوت قائل شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲). علم حقیقی نوری است که از سوی خداوند بر قلب تابیده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۵).

از این رو، امام صادق (علیه السلام) درباره حقیقت علم می‌فرماید: علم به تعلم و دانش زیاد نیست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۵)، بلکه طالب علم نخست باید از راه عواملی همچون ایمان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۱)، طلب بندگی حقیقی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۵)، تقوا (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۱۴۰)، عمل به دانش (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۵۸)، طلب فهم از خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۵) و فراغت از دنیا (همان، ص ۲۲۷) خویش را آماده پذیرش این ودیعه ارزشمند کند و دوم آنکه خود را در معرض تابش این نور الهی قرار دهد که در روایات از آن به نشستن و زانو زدن نزد علما (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸) تعبیر شده است.

پژوهش‌های روان‌شناختی انجام‌شده در مورد خرد، همگی بر وجود یک عامل شناختی در خردمندان توافق دارند. بلانچارد فیلدز و نورس<sup>۱</sup> (۱۹۹۵، ص ۱۰۵) معتقدند خرد صرفاً جنبه‌ای از دانش نیست، بلکه دانش فقط یک جنبه‌ای از خرد است. بالتز و همکاران نیز با عنوان «پارادایم خرد برلین»، خرد را به‌عنوان نظامی تجمع‌یافته از دانش و قضاوت در مسائل بنیادین زندگی می‌دانند که در اثر تجربه به دست می‌آید (بالتز و اسمیت، ۱۹۹۰، ص ۹۵؛ بالتز و استاودینگر، ۱۹۹۳، ص ۷۶؛ بالتز و استاودینگر، ۲۰۰۰، ص ۱۲۲). دانش در این پارادایم به دو مؤلفه تقسیم می‌شود: ۱. دانش غنی در امور واقعی شامل موضوعاتی از جمله ماهیت انسان، تحول در طول زندگی، تغییرات در فرایندها و پیامدهای تحولی، ارتباطات بین فردی و هنجارهای اجتماعی و ۲. دانش غنی رویه‌ای شامل دانستن اینکه چه زمانی و چگونه باید از دانش خود برای تأمل و بازنگری تصمیم‌های مربوط به زندگی گذشته، راهنمایی برای معضلات فعلی زندگی و طراحی یک برنامه برای آینده استفاده کنیم (استاودینگر، ۲۰۰۸، ص ۱۱۳؛ بالتز و اسمیت، ۲۰۰۸، ص ۵۸). از دیدگاه استرنبرگ (۲۰۱۹، ص ۱۶۴) نیز خرد کاربرد دانش ضمنی (هوش و تجربه) در سایه ارزش‌ها برای دستیابی به خیر عمومی است؛ بنابراین یکی از مؤلفه‌های اتفاقی و اصلی خرد، دانش است (بالتز و اسمیت، ۲۰۰۸؛ آردلت، ۲۰۰۳، ۲۰۰۸؛ استرنبرگ، ۱۹۸۵، ۲۰۰۱؛ پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴؛ گراسمن، ۲۰۱۰؛ یانگ، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸)، اما به اعتقاد آردلت خرد همان دانش ذهنی<sup>۲</sup> نیست، بلکه در بسیاری از حوزه‌ها، نقطه مقابل یکدیگر هستند (۲۰۰۰، ص ۷۷۳). دانش ذهنی و خرد، از نظر اهداف، اکتساب، رویکرد، دامنه، ارتباط با پیری و تأثیرگذاری بر داننده، متفاوت از یکدیگر هستند (آردلت، ۲۰۰۸، ص ۸۳ به بعد)؛ افزون بر این، دانش حاصل از تجربه و عبرت‌گیری از حوادث گذشته خود یا دیگران، یکی از مؤلفه‌های اساسی خرد در نظریه براون (براون و گرین، ۲۰۰۶، ص ۶)، وبستر (۲۰۰۷، ص ۱۶۴)، و استرنبرگ (۲۰۱۹، ص ۱۶۳) است.

1. Blanchard-Fields, F. & Norris, L.

2. intellectual Knowledge



پردازش ذهنی به‌عنوان دومین مقوله هسته‌ای خرد، بیانگر فرایندی ذهنی شامل رفت و برگشت ذهن میان معلومات برای کشف و دستیابی به مجهول است. پردازش ذهنی متشکل از نشانه‌هایی از جمله «تأمل»، «فرایند ذهنی برای یافتن معنا»، «یافتن مطلوب»، و «نیروی در ذهن» است. بر این اساس خرد دانش صرف نیست، بلکه نگاه تأملی به مسائل از دیگر مؤلفه‌های خردمندی است که در بیشتر نظریه‌ها بر آن تأکید شده است. آردلت (۲۰۰۰ الف، ص ۳۶۱) تأمل را دیدن پدیده‌ها و رویدادها از دیدگاه‌های متفاوت، فارغ از سوگیری‌های مربوط به منافع شخصی تعریف کرده است. بلوک و گلاک (۲۰۰۵) تأمل و بازنگری را تفکر عمیق فرد درباره خویش، پدیده‌ها و نیز تفکر پیش از حرف و عمل می‌دانند. استاودینگر و گلاک (۲۰۱۱) معتقدند افراد خردمند به‌جای قضاوت سریع و تصمیم‌های هیجانی ترجیح می‌دهند، نخست درباره مردم، دنیا و خودشان عمیق فکر کنند (کردنوقایی، ۱۳۹۵، ص ۳۴). استرنبرگ (۱۹۸۵، ص ۶۰۸) نیز توانایی استدلال، شامل توانایی حل مسئله و ذهن منطقی را از مؤلفه‌های خرد شمرده است؛ افزون بر این، یکی از نظریه‌های صریح خرد را گراسمن و دیگران (۲۰۱۰) با عنوان «استدلال خردمندان» مطرح کرده است. گراسمن استدلال خردمندان را به‌کارگیری انواع خاص از استدلال عمل‌گرایانه به‌منظور کنترل چالش‌های اساسی زندگی اجتماعی تعریف می‌کند (گراسمن و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۷۲۴۶).

سومین مقوله هسته‌ای خرد «تشخیص» و به معنای آن است که آدمی پس از مواجهه با مسائل و امور درونی، آگاهی و پردازش ذهنی توانایی تمایز و تشخیص میان دو گزاره یا نسبت با پیدا می‌کند. تمییز مؤلفه عقل (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۸؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۰) و از جنس معرفت (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۸) است، چنانچه مصطفوی (۱۳۶۸، ج ۸، ص ۹۸) و عسکری (۱۴۰۰، ص ۷۳) علم همراه با تمییز شیء از غیر آن را معرفت دانسته‌اند. تشخیص و تمایز میان دو شیء و نسبت میان آنها در روایت شامل تشخیص نیکی از زشتی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹، ح ۳۵)؛ تاریکی از روشنایی (همان)؛ حق از باطل (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ رعد، (۱۹)؛ راه از بی‌راه (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۰)؛ صدق از کذب (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵)؛ بد از بدتر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۶)؛ امور مادی از غیر آن (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۴۸) و احسن از حسن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳، ح ۱۲) است. از میان دیدگاه‌های روان‌شناختی، براون (۲۰۰۲، ص ۳۰) خرد را ترکیبی از شش مؤلفه می‌داند که یکی از آنها قضاوت است. منظور وی از قضاوت قدرت تمییز بالا است که با ارزیابی یک موقعیت، تأمل درباره گزینه‌های موجود، ترکیب دیدگاه‌های مختلف، توجه به پیامدهای هر کدام از گزینه‌ها و

در نهایت تصمیم‌گیری حساب‌شده به دست می‌آید؛ افزون بر این، از میان محدثان شیخ حر عاملی (۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۰۸) و علامه مجلسی (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۱) نیروی ادراک خیر و شر، تمییز میان آن دو، و معرفت به علل امور یکی از سه معنایی است که برای عقل بیان کرده‌اند. از نگاه مفسران (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۷) عقل نیرویی است که میان حق و باطل، خیر و شر، سود و زیان تمایز می‌گذارد.

چهارمین مقوله هسته‌ای خرد «مهار» است و به معنای آن است که عقل، آدمی را از یک‌سری امور باز می‌دارد و رفتار را به سمت امور دیگری جهت‌دهی می‌کند. منظور از مهار در مقام نفس، مدیریت تکانه‌ها، افکار و کشش‌های درونی (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷) و منظور از مهار در مقام عمل این است که در راستای مهار افکار و امیال نفسانی، رفتارها و هیجان‌ها را نیز کنترل و به سمت امور پایدار و همسو با اهداف متعالی و نیکی‌ها جهت‌دهی می‌کند. افزون بر امور پایدار، جهت‌دهی عقل در مقام عمل به سمت نیکوخواهی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹، ح ۱۲) و نیکوکاری است. شاهد اینکه در حدیث جنود عقل و جهل، عقل دارای ۷۵ جنود و یک وزیر است. از وزیر عقل به «خیر» تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰-۲۳، ح ۱۴). عقل ابزاری برای درک تمام نیکی‌ها (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۴) و اساس عقل مهربانی به مردم و خیررسانی به هر فردی اعم از نیک و بد است (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵).

تا آنجا که پژوهشگر در نظریات خرد در روان‌شناسی بررسی کرد، به مهار در نفس و متعلقات آن اشاره نشده است. در مورد مهار عملی در برخی از دیدگاه‌ها جهت‌دهی رفتار به سمت نیکوخواهی و نیکوکاری مورد توجه قرار گرفته است. شاید نپرداختن به این نظریات به مهار در نفس و واداری رفتار به سمت اهداف متعالی و پایدار به دلیل مبانی مادی‌گرایانه و دیدگاه تک‌بعدی بودن آنها درباره انسان باشد. البته یکی از مؤلفه‌های مدل شش عاملی خرد براون (۲۰۰۲) «دانش خود» است. این مؤلفه شامل سه بعد اصلی است: ۱. داشتن منبع کنترل درونی برای دستیابی به موفقیت، رشد و حفظ اصالت خود در موقعیت‌های گوناگون؛ ۲. درک و فهم عمیق از اخلاقیات، هویت چندگانه، علائق، استعدادها، ارزش‌های هدایت‌کننده خویش و ۳. اعتماد به نفس (براون، ۲۰۰۲، ص ۳۰). این ویژگی همان خودآگاهی و خودشناسی است که به نظر می‌رسد به مهار نفس در منابع دینی شباهت داشته باشد.

پنجمین مقوله هسته‌ای خرد، یعنی «اتقان در عمل» دارای نشانه‌هایی همچون انجام عمل با تمام اجزا و شرایط (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴۱)؛ درست‌کاری (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۹، ح ۶۲۴)؛

تدبیر و دوراندیشی (همان، ص ۵۱، ح ۳۷۰ و ص ۵۲، ح ۳۹۳)؛ تعهد و پایبندی (رعد، ۱۹-۲۰)؛ وفای به عهد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۶۷)؛ وعده ندادن نسبت به کاری که در توان وی نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰)، نپذیرفتن و اقدام نکردن به کاری که از عهده آن خارج است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۹۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰)؛ ثبات و پایداری (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۱۹۹)؛ استقامت (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۳، ح ۴۱۲)؛ هماهنگی سخن و عمل (همان، ص ۵۴، ح ۴۷۱؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸)؛ و هدفمندی و پرهیز از کارهای بیهوده (ورام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۳۰)؛ بنابراین اتقان در عمل، یعنی عملی را پس از تدبیر با تمام اجزا، شرایط و متناسب با اهداف متعالی به صورت محکم آغاز کند. خرد دانش صرف و خردمند عالم بی عمل نیست، بلکه اگر این دانش و معرفت به عمل بینجامد و تأثیراتی را در زندگی وی داشته باشد، نشانه خرد است. پس فردی که خود را فعالانه درگیر مشکلات و مسائل خود و دیگران می‌کند و توانمندی‌هایش را برای حل مشکلات خود و دیگران به کار می‌گیرد، خردمند است. در مدل رسمی و صریح یانگ (۲۰۰۱، ۲۰۰۸)، خرد فرایندی در زندگی واقعی است که از سه مؤلفه یکپارچگی، تجسم و آثار مثبت برای خود و دیگران تشکیل شده است. از نظر یانگ، خرد نوع خاصی از فرایند در زندگی واقعی است و در صورتی حاصل می‌شود که فرد از نظر شناختی به یکپارچگی فرامعمولی دست یابد، ایده‌های خود را از طریق عمل مجسم کند و پس از آن آثار مثبتی هم برای خود و هم برای دیگران موجب شود (یانگ، ۲۰۰۸، ص ۶۵). بنابراین از نظر یانگ، خرد یک پدیده انتزاعی و صرفاً در اندیشه و گفتار نیست، بلکه فرد زمانی خردمند است که بتواند خرد را در تصمیم‌ها، رفتار با دیگران، خانواده و زندگی خود نشان دهد (همان؛ یانگ، ۲۰۰۱، ص ۶۶۳).

ششمین مقوله هسته‌ای خرد، «کیاست» نام دارد. براساس منابع دینی، کیاست ادراک بهترین منافع خویش در راستای امور پایدار است. کیس نسبت به گزینه‌های خویش هشیار است، آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کند، میان آنها تمایز و تشخیص قائل می‌شود و پس از دوراندیشی بهترین گزینه را انتخاب می‌کند. چنانچه در مقوله‌های هسته‌ای این مفهوم گذشت، انتخاب فرد کیس در نفس به مهار (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۸۱) و در عمل به سمت امور پایدار جهت‌دهی می‌شود (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۵۷). اعتقاد بر این است که افراد خردمند سخت‌درگیر تفکر انتقادی در مورد خود هستند که با هدف ایجاد فهم عمیق از خویش همچون پرسش از رفتارها، افکار، احساسات و انگیزه‌هایش انجام می‌شود (چن و دیگران، ۲۰۱۴؛ استرنبرگ، ۱۹۸۵).

هفتمین مقوله هسته‌ای خرد مربوط به تعامل و ارتباط با دیگران، از طبقه حقایق و رویدادهای محیط اطراف و جهان هستی است که آن را در این پژوهش «بینش» نام نهادیم. مطابق آموزه‌های دینی، بینش عبارت است از ادراک حقیقت و باطن رویدادها که در اثر تفکر حاصل می‌شود؛ از این رو، انسان بصیر پس از آنکه نسبت به رویدادها و حقایق اطلاعات کسب می‌کند و سپس با به‌کارگیری تفکر به پردازش آن می‌پردازد و در نهایت توانایی تشخیص و تمایز امور حقیقی و متعالی از غیر آن را می‌یابد (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۱۹۱، خطبه ۱۳۳)، در این هنگام، مسیر به‌گونه‌ای برایش روشن می‌شود که از افتادن در پرتگاه درامان است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۵). هشتمین مقوله خرد مربوط به تعامل با دیگران و از طبقه اشیا و مفاهیم پیرامون است که از آن به «فقاها» تعبیر کردیم. فقه مطابق با آموزه‌های دینی و کتاب‌های لغت از حوزه فهم و ادراک است (کشی، ۱۴۰۹، ص ۳)؛ با این ویژگی که به لایه‌های عمیق و پنهان مفاهیم و اشیا تعلق دارد (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱؛ همان، ص ۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱، ح ۲) و از عوامل علیّی آن ژرف‌نگری و تأمل است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۴). نهمین و دهمین مقوله خرد به مقاصد و منظور افراد در هنگام تبادل با آنان مربوط است که به دو شاخه مقاصد درونی و کلامی تقسیم می‌شود. ادراک سطح پنهان از مقاصد درونی افراد را «فراست» و فهم مقاصد کلامی و ظاهری دیگران را «تیزفهمی» نامیدیم که قدر جامع دو مفهوم فطانت و ذکاوت است. براساس منابع دینی، فراست ادراک حقایق و مقاصد درونی دیگران است که دارای منشأ الهی و مشروط به عنایت خداوند است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۱). در پایان ادراک مقاصد کلامی دیگران، اگر سریع باشد به آن فطانت و اگر افزون بر سرعت، کامل و تمام باشد؛ به آن ذکاوت گویند که این دو مفهوم یک مؤلفه با عنوان «تیزفهمی» تشکیل می‌دهد.

از میان نظریه‌های روان‌شناختی خرد، ککس (۱۹۸۳؛ نقل از کردنوقابی، ۱۳۹۵، ص ۳۰) معتقد است افراد خردمند الزاماً واقعیات بیشتری نسبت به دیگر مردم نمی‌دانند، بلکه فهم آنان از واقعیات شناخته‌شده عمیق‌تر است. آنها می‌کوشند آنچه را برای دیگران شناخته شده است، در معانی عمیق‌تری درک کنند. خردمندان مشتاق هستند مسائل پیچیده را بفهمند و آنها را به شکل عمیق‌تری درک کنند. با موضوعات به شکل سطحی برخورد نمی‌کنند، بلکه تلاش دارند معناهای پنهان و لایه‌لایه پدیده‌ها را درک کنند. هنگام تصمیم‌گیری و یا قضاوت در مورد موضوعی ترجیح می‌دهند اطلاعات کافی به دست آورند و از قضاوت‌های عجولانه و ناپخته پرهیز کنند (همان، ص ۳۳)؛ افزون بر این، استرنبرگ (۱۹۸۵، ص ۶۰۸) زیرکی و هوشمندی، و شهود و بینش را دو مؤلفه نظریه‌های ضمنی خویش از خرد دانسته است. «فهم دیگران» به‌عنوان یکی از شش مؤلفه نظریه

خرد براون نیز به حوزه‌های کنش‌وری خرد اشاره دارد. فهم دیگران به معنای درک عمیق دیگران در زمینه‌های متفاوت در سطوح فردی، گروهی و سیستمی است. این ویژگی بنیاد مؤلفه‌های خردمندی در ارتباط با دیگران، از جمله توانایی درگیر شدن و مشارکت با آنان، ظرفیت همدلی، تمایل واقعی برای یادگرفتن از آنها و اشتیاق برای کمک به آنان است (براون، ۲۰۰۲، ص ۳۰). پس افراد خردمند در مواجهه با دنیای درون خود و دنیای بیرون اعم از اشیا، مفاهیم، رویدادها، و سایر افراد به دنبال فهم عمیق‌تر رفته، برای ادراک تمام زوایای یک موقعیت، شیء، مفهوم یا دیگران دست به پردازش و مقایسه می‌زنند تا در نهایت به تشخیص دست یابند. اکنون با توجه به مؤلفه‌های خرد می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: «آگاهی، فهم، تشخیص و پردازش ذهنی حقایق معطوف به سعادت، به‌منظور ادراک امور و معانی آشکار و پنهان در حوزه‌های کنش‌وری درون‌فردی و برون‌فردی که در مقام نفس به معرفت به واقع و مهار و در مقام عمل به اتقان می‌انجامد». این پژوهش تنها به تدوین مدل مفهومی خرد پرداخت و جای مباحثی چون مدل فرایندی خرد، ابزار سنجش این مفهوم یا پروتکل‌های آموزشی-درمانی خردورزی در این حوزه پژوهشی خالی است.

## منابع

\* قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی العراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۳. ابن شعبه الحرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، تحقیق علی اکبر الغفاری، الطبع الثاني، قم: الجامعه المدرسين.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم المقاییس فی اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، الطبع الثالث، بیروت: دار صادر.
۶. ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۹)، «جایگاه عقل در فلسفه سیاسی و نقش آن در نظام سیاسی»، معرفت سیاسی، ش ۴، ص ۱۲۱-۱۴۰.
۷. ازدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷)، کتاب المءاء، چ ۱، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران- مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
۸. اسعدی، سمانه (۱۳۹۴)، «ویژگی های افراد خردمند بر پایه نظریه های ضمنی خرد: با نگاهی بر تفاوت گروه های سنی و جنسیتی»، پژوهش نامه روان‌شناسی مثبت، س ۱، ش ۱، ص ۵۱-۶۶.
۹. امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام (۱۴۰۰ ق)، مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی.
۱۰. بداشتی، علی الله (۱۳۸۳)، «انسان‌شناسی شناخت عقل در پرتو عقل و نقل»، پژوهش های فلسفی-کلامی، ش ۱، ص ۱۷-۴۲.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، الطبع الثاني، قم: دارالکتب الإسلامية.
۱۲. برنجکار، رضا (۱۳۷۴)، «ماهیت عقل و تعارض عقل و وحی»، نقد و نظر، ش ۳ و ۴، ص ۱۸۴-۲۰۴.
۱۳. پدramنیا، سوده و زهرا یوسفی (۱۳۹۷)، «رابطه ابعاد خردمندی و راهبردهای مهار فکر مادران با علائم اختلالات رفتاری دختران»، فصلنامه سلامت کودک، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۴۱.

۱۴. پسندیده، عباس (۱۳۸۸)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت.
۱۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (۱۳۷۶)، تاج اللغة و صحاح العربية، ۶ جلد، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۷. جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۶)، مؤلفه‌های خودنظم‌جویی اسلامی و برنامه زوج‌درمانی مبتنی بر خودنظم‌دهی بارویکرد اسلامی، رساله دکتری رشته روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ص ۳۲۶.
۱۸. چراغی، فرشته؛ پروین کدیور، علی عسگری و ولی‌اله فرزاد (۱۳۹۴)، «مفهوم خرد بر پایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی»، فصلنامه تازه‌های علوم‌شناختی، س ۱۷، ش ۳، ص ۴۷-۵۴.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام.
۲۰. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، تحقیق عبد اللطیف الحسینی الکوهمری، قم: بیدار.
۲۱. دلفان بیرانوند، آرزو و رسول نوقابی (۱۳۹۴)، «ویژگی‌های خردمندان در تفکر دینی در مقایسه با نظریه‌های روان‌شناسی خرد: یک مطالعه تطبیقی»، دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، دانشگاه تربت حیدریه، ص ۱-۱۵.
۲۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی.
۲۳. ذبیحی حصاری، نرجس؛ محمدرضا چاجی و علی‌زارع مقدم (۱۳۹۶)، «رابطه خردمندی با به‌زیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان»، پژوهش‌های تربیتی، ش ۳۵، ص ۲۱-۳۵.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چ ۲، تهران: مرتضوی.
۲۵. رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۷)، «الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمان و مطالعه امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن»، رساله دکتری رشته روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ص ۳۳۴.

۲۶. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸)، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، قم: دارالحدیث.
۲۷. شجاعی، محمدصادق؛ مسعود جان‌بزرگی، علی عسگری، سیدمحمد غروی و عباس پسندیده (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۸، ش ۱۵، ص ۷-۳۸.
۲۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، تحقیق و تصحیح فیض الاسلام، قم: هجرت.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، منیة المرید، تحقیق رضا مختاری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث.
۳۱. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم: الجامعة المدرسین.
۳۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی اللاجوردی، تهران: جهان.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۴ق-۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواعد بلاغی، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی (للطوسی)، قم: دار الثقافة.
۳۸. عباسی، مهدی (۱۳۹۷)، «تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر براساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی»، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۹. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الافاق الجديدة.



۴۰. فتحی آشتیانی، علی؛ بهاره محمدی و مینا فتحی آشتیانی (۱۳۹۵)، آزمون‌های روان‌شناختی، ج ۲، تهران: بعثت.
۴۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، الطبع الثاني، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۴۲. قطب الدین الراوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، تحقیق مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام، ۳ جلد، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، الطبع الثالث، قم: دارالکتاب.
۴۴. کردنوقابی، رسول (۱۳۹۵)، روان‌شناسی خرد، تهران: ارجمند.
۴۵. کردنوقابی، رسول و آرزو دلفان بیرانوند (۱۳۹۵)، «نظریه‌های ضمنی خرد در ایران: بررسی پدیدار شناسی»، پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، س ۲، ش ۳، ص ۷۸-۱۰۵.
۴۶. کردنوقابی، رسول؛ آرزو دلفان بیرانوند و زینب عربلو (۱۳۹۴)، «دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روان‌شناسی خرد»، مجله روان‌شناسی پیری، دوره ۱، ش ۳، ص ۱۵۷-۱۶۷.
۴۷. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، رجال الکشی-إختیار معرفة الرجال، تحقیق محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر الغفاری و محمد الآخوندی، الطبع الرابع، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. مالکی، فاطمه؛ محمدرضا عابدی و محمدمسعود دیاریان (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی بر مبنای خرد و شادکامی در بین زنان شهر اصفهان»، مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۲، ش ۱/۲، ص ۴۷-۵۴.
۵۰. مجلسی، محمد بن باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، الطبع الثاني، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، ج ۲، قم: لوگوس.
۵۲. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، بیروت: دار الفکر.
۵۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۵۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الإختصاص، تحقیق علی‌اکبر الغفاری و محمود المحرمی الزرنندی، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید.
۵۵. ملک محمدی، حسین؛ حسن رحمانی شمس، قاسم حشمت و بهروز فرامرزی راد (۱۳۹۶)، «بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی»، مجله اصول بهداشت روانی، س ۱۹، ش ۳: ویژه‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی، مشاوره و علوم رفتاری، ص ۱۷۲-۱۷۸.
۵۶. ملک محمدی، حسین؛ ژانت هاشمی آذر پیل‌رود، شهلا پزشکی و غلامرضا صرامی (۱۳۹۳)، «ارزیابی کیفی و کمی مفهوم خرد براساس تحلیل عاملی غیر خطی»، فصلنامه افراد استثنایی، س ۴، ش ۱۳، ص ۸۲-۱۰۲.
۵۷. موسوی، سیدمیثم (۱۳۹۷). تدوین مدل مفهومی حکمت در منابع اسلامی و مقایسه آن با عقل در روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی مثبت‌گرا، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
۵۸. مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، «درآمدی بر معناشناسی عقل در تعبیر دینی»، معرفت، ش ۷۴، ص ۲۸-۳۸.
۵۹. میردریگوندی، رحیم (۱۳۹۵)، عقل دینی و هوش روان‌شناختی، چ ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۶۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۶۱. نوری، نجیب‌الله؛ علی‌عسگری، رحیم نارویی نصرتی و محمدصادق شجاعی (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی، مجله اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، س ۲، ش ۴، ص ۷-۲۶.
۶۲. ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعة ورام، قم: مکتبه فقیه.
63. Ardelt, M. (1997), Wisdom and Life Satisfaction in Old Age. The journals of gerontology. Series B, Psychological sciences and social sciences. 52. P15-27.
64. Ardelt, M. (2000a), Antecedents and effects of wisdom in old age: A longitudinal perspective on aging well. Research on Aging, 22, 360- 394.
65. Ardelt, M. (2000b), Intellectual versus wisdom-related knowledge: The case for a different kind of learning in the later years of life. Educational Gerontology, 26, 771-789.
66. Ardelt, M. (2003), Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. Research on Aging, 25, 275-324.

67. Ardel, M. (2008), Being wise at any age. In S.J. Lopez (Ed.), *Positive psychology: Exploring the best in people*. Volume 1: Discovering human strengths (pp. 81-108).
68. Arlin, P. K. (1990), Wisdom: The art of problem finding. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 230–242), New York: Cambridge University Press.
69. Baltes P.B. & Smith, J. (1990), Towards a psychology of wisdom and its ontogenesis. In R.J. Sternberg (Ed.), *Wisdom – Its nature, origins, and development* (pp. 87-120), Cambridge, UK: Cambridge University Press.
70. Baltes, P. B., & Smith, J. (2008), The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function. *Perspectives on Psychological Science*, 3(1), 56–64.
71. Baltes, P. B., Gluck, J., & Kunzmann, U. (2002), Wisdom: Its structure and function in regulating successful life span development. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 327–347). Oxford: Oxford University Press.
72. Baltes, P.B. & Staudinger, U. (1993), The search for a psychology of wisdom. *Current Directions in Psychological Science*, 2(3), 75-80.
73. Baltes, P.B. & Staudinger, U. M. (2000), Wisdom: a metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American Psychological Association*; 55(1):122–36.
74. Bangen, K.J., Meeks, T.W., & Jeste, D.V. (2013), Defining and assessing wisdom: a review of the literature. *The American journal of geriatric psychiatry: official journal of the American Association for Geriatric Psychiatry*, 21 (12), p: 1254-1266.
75. Birren, J., Svensson, C. (2005). Wisdom in History. In R. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives* (pp. 3-31). Cambridge: Cambridge University Press.
76. Blanchard-Fields, F., & Norris, L. (1995), The development of wisdom. In M. A. Kimble, S. H. McFadden, J. W. Ellor & J. J. Seeber (Eds.), *Aging, spirituality, and religion. A handbook* (pp. 102–18). Minneapolis, MN: Fortress Press.
77. Bluck, S., Gluck, J. (2005), From the inside out: people’s implicit theories of wisdom. In *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives*, ed. RJ Sternberg, J Jordan, pp. 84–109. New York: Cambridge Univ. Press.

78. Brown, S. C. (2002, Summer), A model for wisdom development and its place in career services. *Journal of College and Employers*, 29-36.
79. Brown, S. C., & Greene, J. A. (2006), The wisdom development scale: Translating the conceptual to the concrete. *Journal of College Student Development*, 47, 1-19.
80. Chen, L.-M., Cheng, Y.-Y., Wu, P.-J. & Hsueh, H.-I. (2014), Educator's implicit perspectives on wisdom: A comparison between interpersonal and intrapersonal perspectives, *International Journal of Psychology*, 49, 425-433.
81. DiGangi J.A, Jason L. A, Mendoza L, Miller SA, Contreras R. (2103), The relationship between wisdom and abstinence behaviors in women in recovery from substance abuse. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*. 39(1):33-7.
82. Erikson, E. H (1964), Insight and responsibility. *Lectures on the ethical implications of psychoanalytic insight*. New York, NY: Norton.
83. Gilmore, A. (2014), "A Cultural Examination of Hardiness: Associations with Self-Esteem, Wisdom, Hope and Coping Efficacy". University Honors Program Theses.
84. Gluck, J., Konig, S., Naschenweng, K., Redzanowski, U., Dorner, L., Strasser, I., et al. (2013), How to measure wisdom: Content, reliability, and validity of five measures. *Frontiers in Psychology*, 4, 1–12.
85. Grossmann, I., Na, J., Varnum, M. E. W., Park, D. C, Kitayama, S., & Nisbett, R. E. (2010), Reasoning about social conflicts improves into old age. *PNAS Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 107, 7246–7250.
86. Jeste, D.V. & Lee, E.E. (2019), The Emerging Empirical Science of Wisdom: Definition, Measurement, Neurobiology, Longevity, and Interventions, *Harvard review of psychiatry*, 27(3), p: 127-140.
87. Jeste, D.V.; Vahia, I. V. (2008), Comparison of the conceptualization of wisdom in ancient Indian literature with modern views: focus on the Bhagavad Gita. *Psychiatry*, 71(3), 197–209.
88. Jung, C. (1964), *Man and his symbols*. London: Aldus Books.
89. Levenson, M. R., Jennings, P. A., Aldwin, C. M., & Shiraishi, R. W. (2005), Self-transcendence: Conceptualization and measurement. *International Journal of Aging and Human Development*, 60, 127–43.

90. Lieberei, B. & Linden M. (2011), Wisdom psychotherapy. In: M. Linden & A. Maercker (Eds), *Embitterment*, 209-218.
91. Linden, M., Baumann, K., Lieberei, B., Lorenz, C., & Rotter, M. (2011), Treatment of posttraumatic embitterment disorder with cognitive behavior therapy based on wisdom psychology and hedonia strategies. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 80, 199–205.
92. Lynch, S., & Kaufman, J. (2019). Creativity, Intelligence, and Wisdom: Could versus Should. In R. Sternberg & J. Gluck (Eds.), *The Cambridge Handbook of Wisdom* (Cambridge Handbooks in Psychology, pp. 455-464). Cambridge: Cambridge University Press.
93. Meacham, J. M. (1990), The loss of wisdom. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 181–211), New York: Cambridge University Press.
94. Perry, C.L. Komro, K.A. Jones, R.M. Karen, M. Carolyn, L. W. Leonard, J. (2002), The measurement of wisdom and its relationship to adolescent substance use and problem behaviors. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 12(1), 45-63.
95. Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (2004), *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. Oxford, England: Oxford University Press
96. Rani, G. S. & Banu, N. (2018), Relationship between Life-satisfaction and Wisdom of Retired Professionals. *International Journal of Educational Science and Research (IJESR)*, 8(1), PP.19-24.
97. Skerrett, K. (2016), We-ness and the Cultivation of Wisdom in Couple Therapy. *Family Process*, 55(1): 48-61.
98. Staudinger, U. M. (2008), A Psychology of Wisdom: History and Recent Developments, *Research in Human Development*, 5(2), 107-120.
99. Staudinger, U. M., Gluck, J. (2011), Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Field; *Annual Review of Psychology*; 62: 215-241.
100. Sternberg, R. (2001), Why schools should teach for wisdom: the balance theory of wisdom in educational settings. *Educational Psychologist*, 36 (4), 227-245.
101. Sternberg, R. (2019a), Race to Samarra: The Critical Importance of Wisdom in the World Today. In R. Sternberg & J. Gluck (Eds.), *The Cambridge Handbook of Wisdom* (Cambridge Handbooks in Psychology, pp. 3-9). Cambridge: Cambridge University Press.

102. Sternberg, R. (2019b), Why People Often Prefer Wise Guys to Guys Who Are Wise: An Augmented Balance Theory of the Production and Reception of Wisdom. In R. Sternberg & J. Glück (Eds.), *The Cambridge Handbook of Wisdom* (Cambridge Handbooks in Psychology, pp. 162-181). Cambridge: Cambridge University Press.
103. Sternberg, R.J. (1985), Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49(3), 607-627.
104. Taylor, M., Bates, G., & Webster, J. D. (2011), Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self- Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS). *Experimental Aging Research*, 37(2), 129–141.
105. Thomas, M. L., Bangen, K. J., Palmer, B. W., Sirkin Martin, A., Avanzino, J. A., Depp, C. A., et al. (2017), A new scale for assessing wisdom based on common domains and a neurobiological model: The San Diego Wisdom Scale (SDWISE). *Journal of Psychiatric Research*.(p.1-23).
106. Webster, J. D. (2007), Measuring the character strength of wisdom. *International Journal of Aging & Human Development*, 65(2), 163–83.
107. Yang, S.Y. (2001), Conceptions of Wisdom among Taiwanese Chinese. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32(6), p: 662–680.
108. Yang, S.Y. (2008), A process view of wisdom. *Journal of Adult Development*, 15, p: 62–75.
109. Yang, S.Y. (2014), Wisdom and learning from important and meaningful life experiences. *Journal of Adult Development*, 21, p: 129– 146.
110. Zacher, H., & Staudinger, U. M. (2018), Wisdom and well-being. In E. Diener, S. Oishi, & L. Tay (Eds.), *Handbook of well-being*. Salt Lake City, UT: DEF Publishers.